

موضوع تحقیق:

اهمیت دعوت فرزندان به نماز و روش های آن

ارایه دهنده: عارف بازدار

سال: ۱۳۹۶

شرکت سهامی آب منطقه ای بوشهر

صفحه	فهرست
۳	مقدمه
۳	الف) اهمیت آموختن نماز به فرزندان
۴	نقش الگویی والدین در تشویق فرزندان به نماز
۴	نقش نمازخوان بودن والدین در گرایش فرزندان به نماز
۵	بهره داشتن والدین از دانش و منش تربیتی
۶	ب) روش عبادت جمعی و تاثیر آن در نماز خوانی فرزندان
۶	ج) روش تنوع
۷	د) روش پرهیز از رفتارهای ناپسند
۷	ه) روش عنایت آمیز
۸	و) روش گفت وگو با فرزندان
۹	نتجه گیری
۹	منابع وماخذ

مقدمه :

آدمی در دنیای امروز در جلوه‌نمایی آزمندیها و مطامع، محتاج فرصتی است که از برون خسته و افسرده‌اندکی گریخته و سری به درون متعالی خویش بزند. پرده‌های غفلت و عصیان را کنار زده چشمی به روشنایی باز کند، و واسطه این کار جز نماز نیست.

نماز عالی‌ترین و مؤثرترین ابزار تربیت و هدایت در انسان است که توجه به آن، سالم‌سازی فکری و روحی فرزندان را بدنبال دارد. نماز فریضه‌ای است که اساس فلسفه آن تربیت است و تأکید بر اقامه آن به صورت جماعت، نشان‌دهنده‌ی اجتماعی بودن این فریضه است. نماز از ملزومات تربیتی و هدایتی است که نقش مؤثری در سالم‌سازی فکری و روحی فرزندان دارد و رشد و اعتلای معنوی آن در محیط‌های مختلف بویژه در خانه و توسط والدین با توجه به تأثیر اقامه نماز محقق می‌شود.

برخی از عوامل عدم گرایش فرزندان به نماز چنین است: بیان نامعقول از برخی مفاهیم دینی، عملی نشدن توصیه‌های والدین (تعارض بین گفتار و کردار والدین)، نبود برنامه‌ریزی درست فرهنگی برای تشویق فرزندان به نماز، رفتار نامناسب برخی مبلغان دینی و....

پس موفقیت در تأثیر تشویق فرزندان به نماز توسط والدین و جذب آنان به این امر مهم به عواملی چون توجه به روشهای مناسب، جذاب و اصولی تبلیغ و تشویق نماز، عدم اصرار بر تنبیه‌های سخت و آرایه‌الگوهای عملی در این خصوص وابسته است که باید مورد توجه والدین گرامی قرار گیرد به شرح بیان می‌گردد.

اهمیت آموختن نماز به فرزندان:

زندگی پاکیزه هنگامی به دست خواهد آمد که انسان دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارد تا به کمک آن بتواند با همه جاذبه‌های بدی و فساد مبارزه کند و دست شیطان‌های درونی و برونی را از سر خود کوتاه کند. توفیق این ذکر و حضور همیشگی، فقط به برکت نماز به دست می‌آید. «نماز در حقیقت، پشتوانه استوار و ذخیره تمام‌نشدنی است که آدمی را در مبارزه با شیطان نفس که همواره او را به پستی و زبونی می‌کشاند و شیطان‌های قدرت که با زر و زور و تزویر او را وادار به ذلت و تسلیم می‌کند، یاری می‌رساند و محکم‌ترین و کارسازترین وسیله‌ای است که انسان‌های در آغاز راه رابطه خود را با خدا با آن استوار می‌کنند و برجسته‌ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در آن می‌جویند».

بدین ترتیب، لازم است برای روبه‌رو شدن با سردرگمی‌های زندگی و پیش‌گیری از انحراف‌های اخلاقی و رفتاری خود و افراد خانواده به ویژه فرزندان، از این سرچشمه رحمت الهی بهره بگیریم زیرا فرزندان، امانتی الهی هستند که به پدر و مادر سپرده شده‌اند. قلب آنها در کودکی و نوجوانی پاک، ساده و بی‌پیرایه است، آن‌چنان‌که پذیرای هر نقش و روکننده به هر سو هستند. پس چه بهتر که از همان آغاز، نقش نماز را در دل و جان فرزند پدید آوریم و بدین گونه او را از گزند شیطان باز بداریم.

(امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید)

حق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از توست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط دارد و بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول تربیت او هستی و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی.

و چه عملی نیکوتر از نماز که می‌تواند فرزندانمان را به سوی خدا راهنمایی کند و دل آنها را پیش از آنکه شیطان برآید، در کف خدا نهد.

۱. نقش الگویی والدین در تشویق فرزندان به نماز:

برای آموزش و جذب فرزندان به نماز، روش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان به فراخور سن و وضع روحی ایشان آنها را به کار گرفت. در این میان، نقش الگویی ارشاد کننده اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از روش‌های بسیار راه‌گشایی است که خدای تعالی در قرآن برای هدایت انسان‌ها بارها به شکل مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته است. حکایت‌های وارد شده از پیامبران در قرآن جملگی از این مقوله است. منظور از تربیت الگویی این است که: «مربی بکوشد نمونه رفتار و کردار پسندیده خود را به طور عملی (مستقیم یا غیرمستقیم) در معرض دید مربی قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند».

به یقین، در میان الگوها نقش پدر و مادر از همه مؤثرتر است. والدین نخستین و اثرگذارترین الگوی عملی فرزندان هستند، بیشترین زمان را با آنان می‌گذرانند و بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرزندان دارند. به همین دلیل، فرزندان همواره در حال همانندسازی از رفتار والدین خود هستند. شیوه رفتاری امام خمینی رحمه‌الله در تربیت دینی فرزندان، نمونه جالبی از تربیت الگویی است. فریده مصطفوی دختر امام می‌گوید:

کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می‌دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم که مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، به طور طبیعی ما هم انجام نمی‌دادیم.

به هر حال، والدین برای آنکه الگوی شایسته و نیکوی فرزندان باشند، باید عامل به نماز باشند؛ دانش و منش تربیتی داشته باشند و در آموزش احکام و معارف نماز کوشا باشند.

بطور خلاصه ، پیام متن فوق اینست که:

اگر والدین اهل نماز نباشند، نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان آنها نمازگزار باشند.

۲. نقش نماز خوان بودن والدین در گرایش فرزندان به نماز:

«عامل بودن والدین به نماز، خود، روش مشاهده‌ای و غیرمستقیم برای آموزش نماز به کودکان و نوجوانان است و منظور از آن این است که: اگر والدین که الگوهای عملی برای کودکان و نوجوانان خود هستند، برای نماز اهمیت ویژه‌ای قائل شوند و در این اندیشه پایدار و ثابت قدم بمانند، فرزندان ایشان نیز به سوی نماز گرایش پیدا می‌کنند و به آن رو می‌آورند. وقتی کودک از همان آغاز کودکی خویش، بارها و بارها مشاهده کند که پدر و مادر مهربان و دل‌سوز و محبوب او در خانه، سفر، گردش، میهمانی، کار و در هر شرایط و موقعیتی به ندای اذان و اقامه نماز بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهند و بزرگ‌ترین رسالت خود را به هنگام اذان، تحت هر شرایطی نماز خواندن و سخن گفتن با خدا می‌دانند، بدون تردید، نگرش و روش برداشت آنها از نماز نیز چنین خواهد بود.»

بی‌گمان، پدر و مادری که خود عامل به نماز نیست و در رویارویی با هر یک از اموری که ذکر شد، امور مادی را بر نماز مقدم می‌شمارد و نماز را به تأخیر می‌اندازد یا در اقامه نماز و یادگیری آن خود سهل‌انگاری می‌کند، نمی‌تواند الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشد و نباید از آنها انتظار داشت که فرزندان نمازخوان داشته باشند.

بطور خلاصه ، پیام متن فوق اینست که:

دوست دارید فرزندان‌تان چگونه باشند؟ شما نیز همان‌گونه باشید.

۳. بهره داشتن والدین از دانش و منش تربیتی:

منظور از «دانش» تربیتی، آگاهی داشتن از روش‌های متعدد و گوناگون روان‌شناسی در امر تربیت به ویژه آموزش نماز است و مقصود از «منش» تربیتی، توانایی به

کارگیری این روش‌ها در قالب‌های نو، جذاب، ساده و هماهنگ با دنیای کودکان و نوجوانان است. البته بدین ترتیب، والدین باید از آنها آگاهی کافی داشته باشند تا مناسب با سنین فرزندان خود بتوانند بهره بگیرند. برخی از این روش‌ها و چگونگی به کارگیری آنها عبارتند از:

الف) روش انگیزشی (ایجاد انگیزه در فرزندان)

روش انگیزشی، در مراحل ابتدایی نمازگزاری فرزندان بسیار کارساز است. تشویق، تأیید، پاداش و هدیه دادن، از ابزارهای این روش است که والدین می‌توانند در تربیت دینی و جذب فرزندان‌شان به نماز از آن بهره بگیرند.

«در مراحل اولیه نمازگزاری، وقتی کودک روی زمین دراز می‌کشد و صورت خود را به سجاده و مُهر می‌مالد، به جای آنکه پای او را گرفته، حالتش را به صورت سجده بزرگ‌سالان درآوریم، بهتر است همان رفتار کودکانه‌اش را تشویق و تأیید کنیم. تشویق سبب می‌شود که این رفتار مطلوب بارها و بارها تکرار شود و به موازات رشد ذهنی و حرکتی کودک زمینه یادگیری (سجده کردن) هم فراهم می‌شود. اگر کودک جمله‌ای و حتی کلمه‌ای از نماز را به زبان آورد، باید او را جدا تشویق کرد. هنگامی که کودک کلمه «الله اکبر» یا «لا اله الا الله» را به زبان جاری کند، مستحق پاداش پدر و مادر است.»

در این باره نوع رفتار امام خمینی رحمه‌الله با نوه‌اش به هنگام نماز بسیار آموزنده است. یکی از نوه‌های امام می‌گوید:

وقتی بچه بودم، یک‌بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان که همان‌جا بود، برداشتند [به‌عنوان هدیه] به من دادند.

بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم، یا ایشان مرا می‌دید، از من می‌پرسید [آیا نمازت را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.

در مرحله‌های بعدی همراه با رشد جسمی و ذهنی فرزند، می‌توان با خرید وسایل ویژه نماز همانند مهر، سجاده، تسبیح، لباس سفید، گرفتن جشن تکلیف با شرکت گروه هم‌سالان و بردن ایشان به پارک، سینما، مکان‌های مقدس، فرزند خود را به نماز علاقه‌مند ساخت. بدین منظور، حتی بیان خاطره‌هایی درباره نماز اهل بیت علیهم‌السلام، عالمان دینی و بزرگان مذهبی، در جذب کودکان و نوجوانان به نماز بسیار تأثیرگذار است.

بطور خلاصه، پیام متن فوق اینست که:

وقتی که حتی آدم‌های بزرگ با تشویق و قدردانی و جایزه به کارشان دلگرم می‌شوند، از این ابزار برای هدایت فرزندانمان به سوی نماز غافل نباشیم.

ب) روش عبادت جمعی و تأثیر آن در نمازخوانی فرزندان

برای آنکه پدر و مادر از نقش الگویی و آموزشی خود به خوبی برآیند، بهتر است به همراه فرزندان و دیگر اعضای خانواده فریضه نماز را به صورت دسته‌جمعی به جا آورند. بدین ترتیب، هم امکان سهل‌انگاری در نماز به کمترین اندازه می‌رسد و هم فریضه دینی به شکل گروهی و منظم انجام می‌گیرد.

اگر عبادت در خانه به شکل دسته‌جمعی به جای آورده شود، افزون بر آنکه شوق به نماز در دل‌ها کاشته می‌شود، سبب افزایش ارتباط عاطفی و روحیه هم‌دلی و هم‌بستگی میان اعضای خانواده می‌شود. در نتیجه، بنیان خانواده به نیکی و مطمئن تقویت می‌شود.

بطور خلاصه، پیام متن فوق اینست که:

دست خدا، با جماعت و گروه است. بر این اساس، در خانواده‌ای که با هم نماز می‌خوانند، احتمال نمازخوان شدن فرزندان افزایش می‌یابد.

ج) روش تنوع

گوناگونی در برنامه‌های نماز، در ادامه‌دار شدن نمازگزاری کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است، بدین معنا که نماز جنبه‌های مختلفی دارد و تنها به بعد فردی محدود نمی‌شود. فرزندان در خانواده تنها با بعد فردی نماز آشنا می‌شوند، ولی برای آشنایی با جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نماز شرکت دادن آنان به همراه افراد خانواده در نماز جماعت، مسجد و نماز جمعه ضروری است. شرکت دسته‌جمعی افراد خانواده در جمع نمازگزاران، ضمن اینکه نوعی نشاط و طراوت را در نماز به همراه دارد و آن را از یک‌نواختی و کسالت‌بار بودن خارج می‌کند، سبب نهادینه و استحکام جایگاه نماز میان اعضای خانواده می‌شود و میل و رغبت به نماز را بالا می‌برد.

بطور خلاصه ، پیام متن فوق اینست که:

حتی نماز نیز اگر به گونه‌ای یک‌نواخت، به‌جا آورده شود، ای بسا کسالت‌بار شود. تغییر دادن مکان آن، گروهی یا به جماعت خواندن، به آن تنوع می‌بخشد و از کاهش رغبت نمازگزار به آن مانع می‌شود.

د) روش پرهیز از رفتارهای ناخوشایند

والدین برای واداشتن فرزندان به نماز، اجازه هرگونه رفتار ناخوشایند را ندارند تا سبب رنجش خاطر فرزندان نشوند یا در ذهن آنها خاطره تلخی از آموزه‌های دین همچون نماز پدید نیاورند. کارهایی که لازم است از آنها پرهیز شود، عبارتند از:

- اعمال قدرت و مجبور کردن کودک و نوجوان به نماز؛

- گرفتن وقت تفریح کودک و نوجوان مانند: وقت بازی و تماشای فیلم، به انگیزه نماز خواندن آنها؛

- مقایسه فرزندان خود با کودکان نمازخوان دیگران؛

- دعوت کودک به نماز در زمانی که به تازگی تنبیه شده است؛

- خسته کردن کودک یا نوجوان با برنامه‌های اضافی و تعقیبات نماز.

بی‌شک، اگر والدین در واداشتن فرزندان خود به نماز این پیشنهادها را رعایت نکنند، اثر بدی بر روحیه نمازگزاری کودک و نوجوان بر جای می‌گذارد تا آن‌جا که ممکن است آنان را برای همیشه از نماز بیزار کند.

بطور خلاصه، پیام متن فوق اینست که:

در روش پرهیز برای جذب فرزندان به نماز باید از هر گونه اقدام ناخوشایند پرهیز کرد.

(ه) روش عنایت‌آمیز

بهره‌گیری از روش عنایت‌آمیز در تربیت دینی و جذب فرزندان به نماز، در بسیاری از موارد می‌تواند اثرگذارترین راه باشد. ابزارهای این روش، برخوردهای غیرمستقیم، کریمانه و از روی چشم‌پوشی است برای نمونه، روش امام خمینی رحمه‌الله به هنگام نماز صبح یا زمستان با کودکانی که به تکلیف شرعی نرسیده بودند، از این‌گونه راه‌های شوق‌آمیز برای ادای نماز است. فریده مصطفوی، دختر امام خمینی رحمه‌الله، نقل می‌کند:

امام کسی را از خواب بیدار نمی‌کرد، می‌گفت خودتان اگر بیدار شدید، بلند شوید نماز بخوانید؛ اگر بیدار نشدید، مقید باشید که ظهر، قبل از نماز ظهر و عصر، نماز صبحتان را قضا کنید. زمستان هم که بلند می‌شدیم، می‌رفتیم سرحوض که وضو بگیریم، اگر آب گرمی بود، آن را به [بچه‌ها] می‌داد که وضو بگیرند.

در مورد فرزندی نیز که در امر نماز کوتاهی می‌کند:

«والدین می‌توانند بعد از پایان هر نماز خود به گونه‌ای که فرزندانشان می‌شنود، او را با ذکر نام دعا کنند و از خداوند عزت در دنیا و پاداش اخروی برایش بخواهند. این

امر، علاقه فرزند به نماز را بیشتر خواهد کرد؛ زیرا او به هر حال به خودش و نامش اهمیت می‌دهد و از اینکه در فرصت بعد از نماز یاد و ذکری از او می‌شود، خرسند خواهد شد و به نماز اقبال بیشتری نشان خواهد داد یا والدین می‌توانند، از او درخواست کنند به جهت جوانی و پاکی و همین‌طور آبرومندی جوان در پیشگاه خدا، در حق ایشان دعا کنند که نمازشان پذیرفته شود و حتی می‌توانند از جوانشان بخواهند که جلو بایستد و آنها به او اقتدا کنند. اگرچه ممکن است فرزندشان نپذیرد، ولی پیشنهاد عنایت‌آمیز والدین، اثر لازم را در روح او ایجاد خواهد کرد».

بطور خلاصه ، پیام متن فوق اینست که:

اگر فرزندانمان در کنار جدی بودنمان در امر نماز آنها، رفتاری کریمانه و همراه با مدارا از ما در این باره ببینند، شوق بیشتری به خواندن نماز در آنها پدید می‌آید.

(و روش گفت‌وگو با فرزندان

اگرچه در تربیت الگویی، والدین باید بیشتر بکوشند به طور غیرمستقیم با رفتار خویش، فرزندان خود را به نماز و یادگیری آن علاقه‌مند کنند، گاهی آنها به سادگی و آسانی حاضر به اصلاح رفتار خویش درباره نماز نیستند. از این رو، والدین باید با دلیل و استدلال قوی بتوانند از راه گفت‌وگو و بحث کردن به شکلی محرمانه، رفتار او را اصلاح کنند. حکایت زیر در این باره شنیدنی است، یکی از دختران امام خمینی رحمه‌الله می‌گوید:

وقتی دختر پنج ساله‌ای بیش نبودم، یک شب وقتی امام به نماز مشغول شدند و عده‌ای هم به او اقتدا کردند، من به جهت دیر وضو گرفتن، وقتی به نماز رسیدم که امام به سجده رفته بودند. تا رکعت دوم باید صبر می‌کردم، ولی از شدت علاقه‌ای که برای خواندن نماز با ایشان داشتم، سریع تکبیر گفتم و به خیال اینکه به جماعت وصل شدم، به سجده رفتم. بعد از نماز، مادرم گفت: دخترم نمازت اشکال داشت. دلیل آن را هم گفتم، اما من نپذیرفتم و اصرار کردم که حتماً به امام بگویم. مادرم به ناچار جریان را به امام گفت. امام با حوصله و سعه صدر یک‌ربع ساعت برای من

آن مسئله را توضیح داد که چرا نباید آن موقع تکبیر می‌گفتم و حالا برای رفع اشکال باید چه کنم.

بطور خلاصه ، پیام متن فوق اینست که:

فرزندان در برابر سخنانی که با دلیل و برهان همراه است، تسلیم هستند. از این روش، در تشویق فرزندانمان به نماز بهره کافی بگیریم.

نتیجه گیری:

خانواده در انتقال باورهای مذهبی به کودکان، نقش تعیین کننده و تأثیر گذاری دارد. یکی از رسالتهای ظریف و لطیف والدین در تربیت دینی فرزندان، بیدار سازی نیازهای فطری آنها از همان دوران کودکی می باشد، تا آنها انجام تکالیف مذهبی از جمله نماز را به عنوان یکی از نیازهای روانی و معنوی خود احساس کنند.

عوامل بسیار دیگری نیز در گرایشهای مذهبی فرزندان مؤثرند که از آن جمله می توان به دوستان، جامعه، رسانه و... اشاره کرد لیک ناگفته پیداست که نقش نظارتی والدین با توجه به توضیحات تکمیلی که در متن مقاله عنوان گردید برچگونگی قرارگرفتن فرزندمان در جمع این عوامل چگونه باید باشد، بدیهی است در صورت عدم نظارت یا حتی اشاعه رفتار ناصحیح ، یاخرید رسانه مخرب (ماهواره و ...)، عدم توجه به گروه همسالان ودوستان تبعات زیانباری در پی خواهد داشت که خود می توانند از عوامل جدایی فرزندان از باورهای مذهبی باشد.

بدیهی است والدین اگر می خواهند فرزندان نمونه ، پر نشاط ، معنوی و عاری از گناه داشته باشند ، باید شوق به اقامه نماز را در فرزندانشان نهادینه نمایند. همچنین به راهکارها و روشهای صحیح و اصولی تشویق فرزندان به نماز، که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین(علیهم السلام) و سیره ایشان و بزرگان و علمای بزرگ است پرداخته و آنها را سرلوحه خویش قرار دهند..

منابع و ماخذ:

نظام خانواده در اسلام؛ حسین انصاریان؛ نشر ام ابیها(سلام الله علیها)؛ قم؛
سال ۱۳۷۷.

راز نماز؛ محسن قرائتی؛ مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ چاپ بیست و یکم.

نماز در سیمای خانواده؛ انجمن اولیاء و مربیان؛ جمهوری اسلامی ایران؛ تهران چاپ
اول؛ سال ۱۳۷۶.